

معرفی کتاب

جهان معنوی ایرانی از آغاز تا اسلام

• جواد نیستانی

- جهان معنوی ایرانی از آغاز تا اسلام
- گنو ویدن گرن
- ترجمه محمود کندری
- نشر میترا



اشاره:

عضویت انجمن جهانی مطالعات یهودی در آمد. هدف اصلی این انجمن، پژوهش در ادیان شرق باستان و ایرانی، مطالعات یهودی، اسلام و پدیدارشناسی دینی بود. از دیگر عناوین علمی، مشاغل و فعالیت‌های پژوهشی اومی توان به موارد زیر اشاره کرد: ریاست انجمن بین‌المللی تاریخ دین (۱۹۶۰-۱۹۶۵)؛ سخنرانی‌های ادواری در گروه مطالعات سامی دانشگاه لیدز (۱۹۶۱-۱۹۶۲)؛ دریافت دکترای افتخاری الهیات از دانشگاه آمستردام و دانشگاه استراسبورگ (۱۹۶۲)؛ ریاست دانشکده الهیات اوپسالا (۱۹۶۴-۱۹۶۸)؛ سخنرانی‌های علمی در کالج کینگز دانشگاه لندن و دانشگاه والس (۱۹۶۵)؛ ریاست انجمن بین‌المللی تاریخ دین (۱۹۶۵-۱۹۷۰)؛ استاد مدعو دانشگاه روستوک (Rostock) و عضو مکانبه‌ای مؤسسه تحقیقاتی Rheinisch - Westfalische دوسلدروف (۱۹۶۷)، عضو خارجی فرهنگستان علوم نروژ، اسلو (۱۹۶۸)، عضو فرهنگستان ادبیات سلطنتی، تاریخ و آثار باستانی استکهلم (۱۹۷۱)؛ استاد مدعو گروه مطالعات دینی دانشگاه کالیفرنیا، سنت باربارا و عضو افتخاری انجمن ادبیات کتاب مقدس (۱۹۷۲)؛

گنو ویدن گرن، شرق‌شناس و دین‌پژوه سوئدی در ۱۹۰۷ شهر استکهلم به دنیا آمد. ۱۹۲۵ در دانشگاه آن شهر پذیرفته شد و در ۱۹۲۷ دوره دانشکده نظامی کارلبرگ استکهلم را به پایان رساند. در ۱۹۲۸ به‌عنوان ذخیره در ارتش سوئد پذیرفته شد و در ۱۹۳۲ به‌درجه ناویان یکمی نائل آمد. وی در سال‌های ۱۹۲۸-۱۹۳۶ به فراگیری زبان‌های لاتین، سامی و ایرانی و مطالعات آشورشناسی، فلسفه، تاریخ ادیان، الهیات در دانشگاه‌های استکهلم، اوپسالا و کوبن‌هاگن پرداخت. در ۱۹۳۶ رسماً فعالیت آموزشی خود را در دانشگاه اوپسالا آغاز کرد و از ۱۹۴۰ رسماً استاد تاریخ و روان‌شناسی ادیان آن دانشگاه شد. در ۱۹۴۲ به‌عنوان ناخدایی در نیروی دریایی ارتش سوئد دست‌یافت و در سال‌های ۱۹۴۴ و ۱۹۴۵ ریاست دانشکده الهیات اوپسالا را بر عهده گرفت. از ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ نائب رئیس انجمن بین‌المللی تاریخ دین (I.A.H.R.) و از ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۱ بار دیگر رئیس دانشکده الهیات اوپسالا و در ۱۹۵۱ استاد مدعو دانشگاه Aarhus دانمارک شد. ویدن گرن از ۱۹۵۷ به



و نفوذ عقاید میترایی در ناحیه‌ای که زرتشت بدان تعلق داشت سبب شد که او به ناچار زادگاه خود را ترک گوید و به دربار ویشتاسب مهاجرت کند.

اما آیین میترایی ویشتاسب و قبیله‌اش زرتشت را به تعدیل آرای پیشین خود و حتی ایجاد تغییراتی در آن برانگیخت چندان که بخشی از آداب و عقاید آیین میترایی را با دین خود در آمیزد.^۱

ویدن گرن و ویکاندر^۲ از شاگردان برجسته نوپرگ بودند و به شدت از آرای او تأثیر پذیرفتند. هر چند ویدن گرن در همین اثر که در ادامه از آن سخن خواهیم گفت اندکی از نظریات استاد خود به ویژه در شمن بودن زرتشت، عدول کرده است. به هر حال مکتب دین پژوهی اوپسالا با سه رویکرد و دیدگاه شناخته شده است: دیدگاه تطبیقی؛ اعتقاد به شمنیسم و جادو؛ و پدیدارشناسی دینی^۳ که مؤلف دانشمند کتاب جهان معنوی ایرانی از آغاز تا اسلام کوشیده است از آن روش‌ها در پژوهش حاضر بهره‌جوید.^۴

کتاب در یازده فصل همراه با پیشگفتار و کتابنامه تدوین یافته است. پیشگفتار در پنج یادداشت تنظیم شده است. یادداشت «یک» به تاریخ اندیشه ایرانی و معرفی گروه‌های تشکیل دهنده آن شامل اقوام شمالی، شرقی و غربی ایران، زبان‌های رایج بین گروه‌های قومی (مانند اوستایی، فارسی باستان، پهلوی، سغدی، سکایی، آسی و مانند آن...) و توضیح مختصری درباره منابع مکتوب آنها (شامل اوستا، بندهش، دینکرد، ارداو، پرافنامه، درخت آسوریک، شاهنامه و مانند آن) اختصاص یافته است. در یادداشت «دو» از تهاجمات اقوام آریایی و برخورد اقوام هندو ایرانی و ایزدان راه یافته به دو قوم یاد شده، سخن به میان آمده است. یادداشت «سه» به انطباق دین حاکم در میان پارس‌ها و آنچه که در شرق رایج بوده اختصاص دارد. در یادداشت «چهار» از دولت پارت - که متأسفانه در تاریخ اندیشه ایرانی بسیار کم شناخته شده - و بزرگ‌ترین نفوذ دینی ایران در خاور نزدیک به ویژه دیدگاه‌های فرجام‌شناختی و پیشگویی وقایع آخرالزمان از جمله زایش پادشاه منجی در آینده سخن گفته شده است. به نوشته ویدن گرن جبرگرایی آیین زروانی نگاه بدبینانه به هستی را به همراه آورده که ادبیات حماسی دوران پارت آکنده از آن است. افزون بر این، به نوشته او: «دوران پارت، دوره تبادل معنویات بین شرق و غرب است. وقتی ما در این مورد به پدیده‌های زبانی توجه ورزیم،

استاد ممتاز دانشگاه اوپسالا و سخنران مدعو گروه مطالعات سامی در دانشگاه لیدز (۱۹۷۳)؛ و فعالیت‌های دیگر. او همچنین در دانشگاه‌های مختلف سخنرانی کرده که فهرست آنها برای آگاهی بیشتر در دسترس است.^۱ ویدن گرن همچنین در اجلاس چهارم کنگره تاریخ و فرهنگ ایران در آبان ۱۳۵۰/۱۹۷۷ به دعوت وزارت فرهنگ و هنر به ایران آمد و خطابه‌ای با عنوان «بهمین‌یشتاز لحاظ ادبی و زبان‌شناسی» ایراد کرد. او در اواخر عمر به شدت دچار ضعف بینایی شد و سرانجام پس از عمری پرحاصل در ۱۹۹۶ در ۸۹ سالگی در زادگاه خود درگذشت.

مکتب اوپسالا و جایگاه ویدن گرن:

رشته ادیان در سوئد برای نخستین بار در ۱۸۹۳ در دانشگاه اوپسالا دایر شد و با تلاش استادان و محققان برجسته‌ای چون نائان سودر بلوم^۲ و تور آندری^۳ چندان رونق یافت که تا سطح مرکز بین‌المللی تحقیقات تاریخ ادیان ارتقاء یافت.

از دیگر ایران‌شناسان صاحب‌نام این رشته باید از هنریک ساموئل نوپرگ/نوبرگ^۴ یاد کرد.

نوبرگ (۲۸ دسامبر ۱۸۸۹ - ۹ فوریه ۱۹۷۴) تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه اوپسالا در زبان‌های شرقی به پایان رساند. و در همانجا در مقام دانشیار و استاد زبان‌های سامی و بعدها استاد ممتاز زبان‌های ایرانی به تدریس پرداخت.^۵ حوزه تحقیق او نخست زبان‌های سامی و به ویژه زبان عربی بود. اما چندی بعد به زبان‌های ایرانی به ویژه فارسی میانه گرایش یافت و همت و پشتکار نوپرگ در این زمینه سرانجام او را استاد مسلم زبان پهلوی ساخت. با انتشار متن سخنرانی‌های نوپرگ در دانشگاه اوپسالا تحت عنوان «دین‌های ایران باستان»^۶ در ۱۹۳۵ به زبان سوئدی و سپس ترجمه آلمانی آن به کوشش شدر در ۱۹۳۸، آرای وی نخست با انتقاد ایران‌شناسان دیگر، به ویژه والتر برونو هنینگ^۷، روبرو شد. به نظر نوپرگ، زرتشت طیب و کاهن یا به عبارت دیگر شمنی از جوامع بدوی آسیای مرکزی بوده است که به حکم وراثت پیشوایی دینی قبیله خود را بر عهده داشته است. به گفته نوپرگ توسعه



اوستا با گویشی نزدیک به گویش ودایی زبان هندی است، از سوی دیگر تجزیه و تحلیل واژه‌شناسی این زبان نیز محل مناقشه بسیاری است و مشکلات عظیمی در راه درک مطلب ایجاد می‌کند. افزون بر این، بحث بر سر زمان و زادگاه زرتشت که ویدن گرن آن را در دوره ۱۰۰۰-۶۰۰ ق.م.ودر مشرق ایران دانسته و نیز دوستان و دشمنان زرتشت، از دیگر مباحث جالب توجه این فصل است. چنانچه که پیشتر یادآور شدیم ویدن گرن دربارهٔ شمن بودن زرتشت توضیحی در این فصل آورده که عیناً نقل می‌شود:

«در این باره - این طور بگویم که شکل شمینی ظهور او - و شمن‌گرایی که در تحقیقات جدید صرفاً به عنوان مقایسه آورده شده است، فقط چارچوب ظاهری فعالیت وی را تشکیل می‌دهد. برای هر مورخی بدیهی است که بزرگ‌ترین شخصیت‌ها همواره نخست به شکل‌هایی ظاهر شده‌اند که در محیط آنها غالب بوده است. این امر در مورد بنیان‌گذاران دینی هم مصداق دارد و به این دلیل اهمیت تاریخی آنها کاهش نمی‌یابد.» (ص ۱۳۰). فصل هفتم، با عنوان «فرجام‌شناسی» در بردارنده بحث مبسوط مؤلف در یادداشت شمارهٔ چهار پیشگفتار، همراه با ارائهٔ متون مربوط به آن از جمله روایات اوستایی و پهلوی است. عناوین فرعی این فصل چنین است: فرجام‌شناسی فردی اوستایی کهن؛ سرنوشت روان نیک پس از مرگ؛ پل چنود و روان درگذشتگان؛ آموزه‌های مکاشفه‌ای و پیشگویانه؛ به زرتشت وحی می‌شود؛ آخرالزمان؛ رستاخیز کالبد؛ رستاخیز و تن پسین؛ تولد منجی؛ ستاره در شرق و تولد منجی؛ سفر بهشتی و دوزخی؛ و سفر ارداویراز به آن سو.

فصل هشتم، با عنوان «سیاست دینی» به اصل تساهل در سیاست دینی هخامنشی و به ویژه مدارای کوروش و داریوش با یهودیان می‌پردازد و از تضاد شدید تدابیر اجباری شاهان ساسانی با اصل تساهل هخامنشیان سخن می‌گوید.

فصل نهم، «آیین عرفان ایرانی» نام دارد. ویدن گرن در این فصل به تأثیر فرهنگ پارسی در بین‌النهرین و حتی ادبیات یهودی پرداخته و با تکیه بر متن «سرود مروارید» که سریانی است نفوذ عرفان ایرانی را در سرزمین دجله و فرات پی‌جسته است. او همچنین در ادامه خواسته است در شخصیت جمشید، نخستین انسان و نخستین پادشاه، نمونهٔ آرمانی شهریار ایرانی را بیابد و مهم‌ترین جنبه‌های ایدئولوژی شاهی و ارتباط آن با عرفان ایرانی را باز نماید.

مؤلف در فصل دهم با عنوان «پادشاهی» برای درک دقیق مفهوم ایدئولوژی شاهی و تعریف جایگاه سیاسی و نیروی شهریاران ایرانی کوشیده است به افسانهٔ شاهی در عصر هخامنشی (بنا بر روایت هرودوت)، پارسی (به روایت ژوستین) و ساسانی (به روایت کارنامه اردشیر بابکان) بپردازد.

می‌بینیم که تعداد وام‌واژه‌های ایرانی در زبان سامی خاور نزدیک باز هم بسط یافته است، حال آنکه نفودی که با همان حجم درجهت مخالف آن رخ داده است، به هیچ وجه تعیین‌شدنی نیست. تعداد وام‌واژه‌های یونانی در زبان پارسی یا پارسی میانه به طور حیرت‌انگیزی اندک است. این بررسی‌ها به وضوح نشان می‌دهند که نفوذ معنوی ایران به سوی غرب جریان داشته است و نه برعکس. به علاوه این تأثیرات به واسطهٔ بررسی‌های مختلف دیگری به اثبات رسیده است.» (ص ۲۴)

یادداشت «پنج» به تاریخ اندیشه ایرانی در دوره ساسانی، تغییر فاحش وضع اجتماعی در این دوره، دستگاه روحانیت و مراتب آن به‌ویژه بحث دربارهٔ اتحاد دین و دولت اختصاص دارد.

ویدن گرن فصل اول کتاب را «جهان‌بینی» نام نهاده و مباحث کیهان‌شناختی (کشورهای اسطوره‌ای، گردش اجرام سماوی) را از منابع اوستایی و پهلوی استخراج و با استناد به آنها، نظریات خود را مطرح کرده است. فصل دوم «سرزمین‌ها و ملل» نام گرفته و در آن با اشاره به آنچه در اوستا و ریگ ودا در این زمینه آمده و با تکیه بر متن «یادگار جاماسپی» مردمان مختلف توصیف شده است. فصل سوم، با عنوان «عالم کبیر - عالم صغیر» وصفی از آفرینش تن آدمی، نخستین انسان و آفرینش گیتی با تکیه بر بندش و روایات پهلوی است. فصل چهارم «آیین زروانی» نام دارد. مؤلف در این قسمت بر آن است تا از وندیداد که نتیجهٔ فعالیت ادبی مغان ماد و به زبان اوستایی سلیسی است گفتگو کند که در بعضی از قسمت‌های آن از زروان (ایزد زمان) سخن رفته است. به نوشتهٔ وی ویژگی آیین زروانی، تقدیرگرایی بدبیتانه است. این تقدیرگرایی حتی بر روایت‌های حماسی که از زبان پارت و ساسانی بر جای مانده حاکم است. ویدن گرن در ادامه کوشیده است با ارائهٔ شواهدی از جمله متن پلوتارک (ایزیس و آزیزیس)، نیک‌کلیبی (ایزد زمان و اسطوره او)، اعمال شهیدان (جدل بین مسیحیان و مغان دربارهٔ دین زروانی)، زادسپرم (آمیزش مینوی مقدس و مینوی بد)، بندش، روایات پهلوی، مقدمه برزویه طبیب بر کتاب کلیله و دمنه و نیز شواهد شعری در ادبیات حماسی ایران از جمله ویس و رامین و شاهنامه فردوسی به خویش کاری زروان بپردازد.

فصل پنجم، با عنوان «ایزدکده» به شرح و بسط خویش کاری ایزدانی اهورامزدا، میترا (مهر)، ویو/وای و آناهیتا با تکیه بر متون اوستا (یشت‌ها و یسنا) اختصاص دارد.

عنوان فصل ششم «زرتشت، شخصیت او، آموزهٔ او» است. این فصل از کتاب خواندنی و جدل‌برانگیز است. زیرا در این فصل چکیدهٔ آرای مؤلف دانشمند در معرض داوری خواننده قرار گرفته است. اگرچه از یک سو، موثق‌ترین منبع برای زندگی زرتشت سروده‌های گاهان کهن‌ترین بخش



- Andrae, Tor, *Nathan Soderblom*, berlin, 1938.

۳. از آثار اوست:

- Andrae, Tor, *In the Garden of Myrtless:*

Studht in Early Islamic Mysticism, Newyork, 1987

- *Mohammad: The man and his faith*, 1936, Translated

by Theophil Menzel, London, 1956.

4- H.S. Nyberg

۵- فانی، کامران، «شرح احوال و فهرست آثار هنینگ و نوبرگ و هرتسفلد» در: هنینگ، و.ب، زرتشت سیاستمدار یا جادوگر، ترجمه کامران فانی، تهران، ۱۳۵۸، ص ۹۰.

6- *Iran fomtida religioner.*

7- *Die Religionen des alten Iran*, tr. H.H.Schaeder, Leipzig, 1938.

و ترجمه فارسی آن:

دین‌های ایران باستان، ترجمه سیف‌الدین نجم‌آبادی، تهران، مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها، ۱۳۵۹.

8- Hening, V.B. *Zoroaster, Politician or Witch - doctor?* oxford, 1951.

برای ترجمه فارسی این اثر بنگرید به پی‌نوشت شماره ۵.

۹- مجتبابی، فتح‌الله، «مقدمه»، در: زرتشت سیاستمدار یا جادوگر، ص ۱۲-۱۳.

۱۰- ویکاندر (Wikaner) در ۱۹۰۸ در نور تالچ (Norrtalje) سوئد زاده شد. دکترای ادبیات خود را در ۱۹۳۸ از دانشگاه اوبسالا گرفت و از ۱۹۵۳ تا ۱۹۷۴ در مقام استاد ممتاز در رشته زبان سنسکریت آن دانشگاه بود. برای

فهرست آثار وی بنگرید به: - Bio-Bibliographies, pp. 548 - 549

۱۱- برای آرا و نظرات ویدن گرن در پدیدارشناسی بنگرید به: - Sharpe, Eric, *Comparative Religion A history*, London,

1986, pp. 300-305.

۱۲- آثار زیر از ویدن گرن به فارسی ترجمه شده است:

- فتودالیسم در ایران باستان، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران، نشر قطره، ۱۳۷۸.

- دین‌های ایران، ترجمه منوچهر فرهنگ، تهران، انتشارات آگاهان ایده، ۱۳۷۷.

- مانی و تعلیمات او، ترجمه زهت صفای اصفهانی، تهران، بی‌نا، ۱۳۵۲ و تجدید چاپ آن: تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۶.

فصل یازدهم، «تاریخ دین زرتشتی» نام دارد و ویدن گرن کوشیده است باتکیه بر متونی مانند یادگار زیرین، ارداویرازنامه و دینکرد به روایت درستی از تاریخ روحانیت زرتشتی از عصر زرتشت تا دوره ساسانی دست یابد. ترجمه این اثر ارزشمند مرهون زحمات مرحوم محمود کندی (۱۳۹۴-۱۳۷۸) و انتشارش به همت دختر دانشمندش خانم مهران کندی بوده است. برخی از توضیحات متن در پانویست کتاب با نوشته «م» مترجم آمده نیز به خامه ایشان است. اهل تحقیق به درستی می‌دانند که ترجمه نوشته‌هایی از این دست صرفاً برای برگردان متنی از یک زبان به زبان دیگر نیست و مترجم علاوه بر آگاهی دقیق از موضوع اثر به اطلاعات جنبی مانند تاریخ و باستان‌شناسی در فهم درست متن و انتقال آن تیارمند است. وجود اعلام بسیار و دقت در ضبط صحیح آنها کوشش مضاعفی از مترجم می‌طلبد که در اغلب این موارد ترجمه را با تحقیق همراه می‌سازد.

شادروان کندی به درستی توانسته است در بیشتر مواضع کتاب از عهده این کار بر آید و ترجمه‌ای روشن و رسا به خواننده فارسی زبان ارائه کند. از اشتباهات راه یافته در ضبط اعلام به واقع می‌توان درگذشت، چه‌شمار آنها بسیار اندک است؛ مانند سکوت‌ها که درست آن اسکوت‌ها (ص ۱۲) است. اما تصحیح اغلاط پر شمار چاپی اثر، خطای متعدد در ویرایش ادبی و فنی بر عهده ناشر محترم است که امید می‌رود در چاپ‌های بعدی آنها را برطرف سازد. برای مثال چند نمونه اشکالات و ویرایشی را متذکر می‌شویم: ص ۱۸: «ولی از آن می‌تواند برای این منظور استفاده شود»؛ ص ۲۲: «می‌توانست تچه‌هیزات ملوک الطوایفی را تحت اختیار آورد»؛ ص ۲۶: «در کهن‌ترین متون ایرانی با اثرات کیهان‌شناسی تکامل یافته‌ای مواجه می‌شویم که آنها را با متون بعدی به شرح و اثبات می‌رسانیم»؛ ص ۳۸: «توصیف سرزمین‌ها و ملل در یادگار جاماسپی به پاس نظرگاه ثابت دینی مطالب قوم‌نگاری، به وضوح رنگ زرتشتی دارد...» که مبهم است.

از جمله اشتباه‌های ویرایش فنی نیز تنها به یک مورد بسنده می‌کنیم: در ص ۳۱ چنین ارجاع داده شده است: (بشت ۱۰: ۱۵) (قس ص ۳۵) که مرجعی که باید آن قیاس کرد معلوم نیست و به علاوه نحوه صحیح این ارجاع چنین است: (بشت ۱۰: ۱۵؛ قس [نام مؤلف / کتاب] ص ۳۵).

پی‌نوشت‌ها:

1- Bio- Bibliographies de 134 savants in: *Acta Iranica*, Vol, 20, Leiden, Brill, 1979, p. 541.

۲. درباره وی بنگرید به: